

بقلم: آقای رضا گورنگ

مهمانسرای شاه عباس در اصفهان (۱)

در شماره فروردین ماه مجله شریفه ارمغان شرحی بقلم آقای عبدالحسین سپنتا در خصوص تبدیل کاروانسرای جنب مدرسه چهار باغ اصفهان به مهمانسرای شاه عباس درج شده بود که مورد اعتراض جمعی از مطلعان بی نظر قرار گرفته است.

مجله ادب ارمغان که جز هدایت افکار منظوری ندارد البته ناگزیر بدرج مقالاتی که ارتباط با مآثر و محاسن ایران دارد میباید ولی معلوم میشود که آقای عبدالحسین سپنتا فقط شاهد مرحله تخریب کاروانسر بوده و مرحله عمرانی و اعاده ساختمان بنا را ندیده اند و عکسهائی هم که در تأیید بیانات خود در مجله منعکس نموده برین امر شهادت میدهد.

بنا بر تحقیقاتی که بعمل آمده در موقعیکه شرکت سهامی بیمه ایران اقدام بساختن مهمانسرای شاه عباس در اصفهان نمود کاروانسرای جنب مدرسه چهار باغ که از آثار دوره صفوی است بوضع بسیار اسفناکی افتاده و در اثر مرور زمان و آفتاب و باران و زلزله و عدم مراقبت متصدیان آنچه در پشت نمای داخلی کاروانسرا

(۱) در شماره فروردین ماه گذشته ارمغان مقاله بقلم دانشمند ارجمند آقای سپنتا راجع بکاروانسرای صفوی اصفهان و تبدیل آن به مهمانسرای فعلی (شاه عباس) درج شده بود که خوانندگان محترم از آن آگاهی دارند. اینک در پاسخ مقاله مذکور فاضل محترم آقای رضا گورنگ مقاله فوق را برای چاپ ارسال داشته اند. مجله ارمغان چون همواره نسبت بمقاید و افکار انتقادی روش بیطرفانه را مراعات نموده است علیهذا بدرج آن اقدام میکند. ارمغان

از گل و خاک ساخته بود تماماً پوسیده و بحالت مزبله دانی افتاده بود و حتی دیوارهای آجری نمای داخلی هم بواسطه زخامت قشر کاه گلی که هر چند سال یکمرتبه قشری بر قشر قبلی اضافه شده بود و فشار سنگینی بامها در قسمت هائمی شکاف بر داشته و در بعضی قسمتها انحنائی بمیزان اقلاده درجه نسبت بعمود پیدا کرده بود.

در قسمت شرقی تمام پیها از هم در رفته و اگرشکرت بیمه ایران بعملیات عمرانی دست نمیزد پنج سال نمیگذشت که بکلی ضلع شرقی سرنگون میشد. سایر اضلاع نیز هر کدام بفاصله دو سه سال بعد متلاشی میشدند و ازین بنای تاریخی جزعکس کتاب کوست فلاندن چیزی باقی نمیماند.

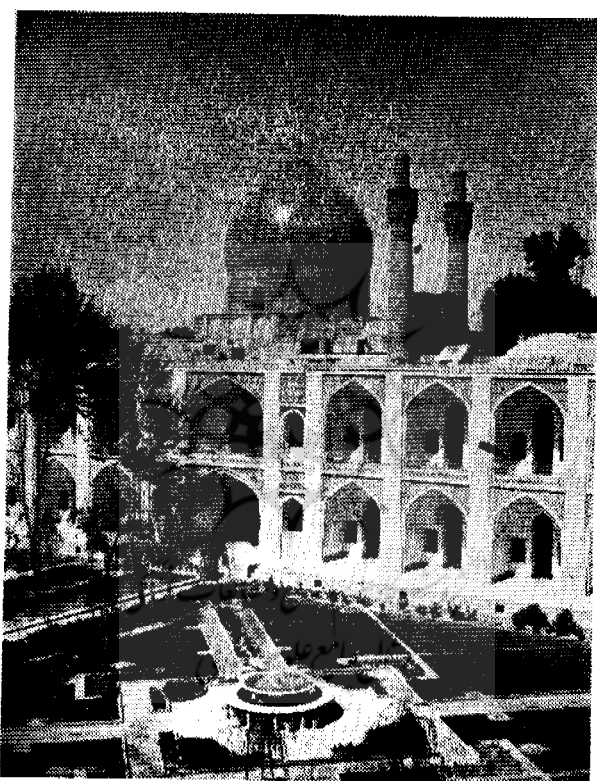
طرز استفاده ازین محل که انبار قند و شکر بود و همه روزه تعداد زیادی کامیونهای سنگین بار خود را در حجرات آن خالی میکردند بر سرعت تخریب می افزود.

صرف نظر ازین خرابیهای ذاتی ظاهر بنا نیز آسیب زیادی دیده مقدار زیادی از کاشیهای بالای طاق نماها از بین رفته و درها و پنجرههای قدیم تماماً بسرقت رفته و درهای از چوب سفید حقیری که حتی در محقرترین خانهها نظیر آنها دیده نمیشد بجای آنها نصب شده بود. تمام سنگهای کف ایوانها و نبش دیوارها بمرور ایام سائیده و خورده شده بود.

تصمیم شرکت سهامی بیمه ایران دائر بر استفاده از کاروانسرا برای احداث مهمانخانه آن بنا را نجات داد.

ابتدا قبل از شروع بهر اقدامی بعضی عملیات استحکامی بعمل آمد که مانع از خرابی بیشتر شود بعداً با احتیاط هر چه بیشتر متدرجاً اضلاع چهارگانه کاروانسرا را بهمان وضعی که روزا احداث بنا داشت احیاء کرد یعنی هر کجا ممکن

بود بنای سابق را حفظ و تعمیر نمود و هر کجا امکان نداشت قسمت‌های غیر قابل استفاده را بدون اینکه يك مو در وضع آن تغییر داده شود از نوساخت بقسمی که امروز تمام صحن کاروانسرای سابق بهمان سبک زمان صفویه احیاء شده و بمراتب از موقعی که ساخته شده بود مجلل تر و دلربا تر و جالب تر است .



آنچه برای احداث مهمانخانه استفاده شده تبدیل حجرات مخروبه پشت نما به اطاقهای مسکونی طبق سلیقه و مقتضیات امروز بوده و تصور نمیرود هیچکس مدعی شود که با این عمل به آثار باستانی ایران خیانت شده باشد .
چون نویسنده محترم مقاله عکس کتاب کوست فلانندن و عکس عملیات

تخریبی آغاز ساختمان را در تأیید مقاله خود منتشر کرده ولی بعکس بنا پس از تکمیل از طرف شرکت سهامی بیمه ایران دسترسی نداشته برای ثبت در تاریخ در تکمیل مقاله ایشان يك عكس ضلع غربی مهمانسرا بقسمی که امروز وجود یافته ضمیمه میشود.

خوانندگان میتوانند با مقایسه دو عکس مقایسه کنند که کوچکترین تغییری در وضع بنا داده نشده است.

این مطلب نیز اضافه میشود که برخلاف تصور نویسنده محترم مقاله يك عدد کاشی خارجی در بنای مهمانخانه بکار نرفته و کاشی خارجی فقط در داخل حمامها مصرف شده که مربوط به آثار معماری ایران نیست.

تا کنون سیاحان و اشخاص برجسته متعددی از کشورهای مختلف دنیا که با اصفهان آمده و در مهمانسرا سکونت نموده یا آنرا بازدید کرده جز مدح و ثنا و تعریف از ابتکاری که بعمل آمده و ستایش ذوق ایرانی مطلب دیگری نگفته اند.

پس نگرانی آقای سپنتا در اینقسمت هم محتملی نداشته و جا دارد خود ایشان بروند و بنای ساخته شده را تماشا کنند یقیناً در عقیده ایشان نسبت به ابتکار شرکت سهامی بیمه ایران تغییری حاصل خواهد شد.

حکمت

دو چیز محال عقل است خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم.

(سعدی)